

بقلم آقای محمد جناب زاده

مدیر نامه ندای آسمانی

اصول اقتصاد در اسلام

یکی از امتیازات دیانت اسلام، میان ادیان بررک آسمانی - این است که دین مقدس اسلام تنها یک دین مجردی که برای پرورش روح صرف وقت کرده باشد نیست بلکه نظامات دین اسلام راهنمای یک زندگی پر نشاط و پر از فعالیت است که از لحاظ نظم سیاسی کامل و در نظام اجتماعی و اقتصادی یکتا و بی مانند است.

در اسلام عام و دانش در سرفصل امور اجتماعی و حیات فردی قرار گرفته و به الاخره فرهنگ اسلامی که از خودشناسی بخودشناسی دلالت و توجه میکند و دانش و بینشی که مبدا ان عرفان به آفریدگار جهان باشد از سوء تفاهم و گمراهی دور و مانند حلقه زنجیر روابط احتیاجات مادی و عقلی را محکم و پیوسته میدارد.

سیاست در دین مولود اخلاق کریمه و صفات حسنه و ایمان به پروردگار یکتا و بیهمتا است بنابراین افکار را از پرستش غیر از خدا و ما سوی الله فارغ میسازد و وقتی مومن بخدادار مکتب اسلام پرورش یافت و باو تعلیم داده شد که ستایش مخصوص ذات واجب الوجود است و پس در اینوقت نه بت های جاندار و نه بت های بی جان را میپرستد و نه در برابر زور و قدرت تسلیم میشود - نه ارکسی امید دارد و نه بیم - با این اصل ظلم و ستمکاری دیگر وجود پیدا نمیکند زیرا ستمکاری مولود دماغهای علیل است که از روی عجز و ناتوانی در مقابل توانا زانو بر زمین میزند و به ناتوان ظلم و ستم مینماید از یکی زور میشوند و با مید اینکه از شر او ایمن بمانند یا مانند سیاه گوش از فضله طعمه درندگان مخوف اعاشه نماید شریک جور و جفای اقویا میگردد و در عین حال که زور میشوند زور میگوید تا طعمه ناچیز ضعیفا را از دست آنها بگیرد یا باعمال شاقه آنان را مجبور و بخدمت خود و ادار سازد و البته فریب و مکر، سیالوسی و دروغ، حيله و تزویر در این طرز زندگانی آزارکان اخلاق است در صورتیکه اسلام بالا هم شکستن کاخ جور و ستم و مرکزیت دادن افکار به پرستش ذات یگانه این صفات ذمیمه را از میان میبرد و معاملات و

امور اقتصادی را روی قواعد روشن و راستی استوار میدارد و این نکته را واضح میگرداند که دیانت در داد و ستد و روابط فردی و اجتماعی مانع ظلم و نادرستی است .

اصول اقتصاد عصر حاضر که توجهی به تقویت مبانی اخلاق و دین ندارد از جهات مختلفه نبرك و خدعه در آن نفوذ میکند .

با همه مبانی عامی و تاریخی و پایه هائی که دانشمندان برای عاوم اقتصادی در تمدن امروز ساخته اند چون پایه اخلاق و ایمان بخدا در آن دیده نمیشود دمیدم دوچار ارتعاش و تغییر و تحول و انقلاب است .

اساس اقتصاد را میتوانیم در وضع و حال حاضر جهان اینطور مطالعه کنیم :
یکی از قواعد اقتصادی فعلی که در کشور های آزاد معمول است حریت افراد در عمل و در معاملات و در کار تجارت و صناعت است یعنی فعالیت فردی - اعم از نفع و ضرر - روی مصلحت شخصی و هدف خصوصی چرخ میزند .

نتیجه این نوع اقتصاد چگونگی زندگی رندگانی شخص را در خانه و جامعه بوجود میآورد - در این شکل اقتصاد اغلب سرمایه اندک و رنج و زحمت بسیار ولی سود متعلق به عامل واحد می باشد .

يك نوع دیگر از روش اقتصادی - اقتصاد جمعی و مشارکت سرمایه داران با هم است و در نتیجه اختراعات شگرف مکانیکی و پیدایش کارخانه ها ارباب ثروت از طریق صنعت یا فلاح و تجارت به نتایج عظیمی از محصول و سود میرسند و بازارهای داخلی و خارجی را - البته با وسائط سیاسی و قوه حکومت در دست میگیرند - در این سیستم عمل حریت فردی از میان میرود زیرا سرمایه داران بزرگ سرمایه داران کوچک را می بلعند .

این روش اقتصادی که حرکت آن از اروپا آغاز شده و بازار های جهان را فرا گرفته و علاوه بر اینکه مشاغل آزاد فردی را از میان برده يك تأثیر عمومی و کلی در سر نوشت جامعه انسانی داشته یعنی اجتماعاتی را که عقب مانده و فاقد ثروت و وسائل مکانیکی بوده اند از پای در آورده و برای تحصیل مواد خام ممالک فاقد سلاح را مستعمره ساخته و در عوض آنجا را بازار فروش محصول صنعتی خود قرار داده است و برای اینکه کشور های نانوان ثروت خود را به رایگان تسلیم جهانگیران و سیاست اقتصادی آنها مینمایند و هستی خود را در خرید محصول آنان مصرف کنند انواع مفاسد را در آنجا پاشیده و مانع از رشد و تلاش مادی آنها میگردند .

جنگ های مدهش نیمه اول قرن بیستم که جهانی را در خون و خاکستر کشید و میایون ها نفوس را معدوم کرده است نتیجه این سیستم اقتصادی است که دولت های زورمند برای بدست آوردن بازار های یکدیگر و تسخیر مستعمرات بجان هم افتادند .

البته نمیتوان از همکاری اقتصادی و اشتراك مساعی افراد در راه و صنعتی و تجاری انتقاد کرد زیرا اصل تعاون پایه ترقی و تکامل جامعه انسانی در هر يك از شئون زندگی است . فساد این نوع از فساد اصول نیست بلکه در نتیجه مصرف و طرز عمل است زیرا آن طبقه و دسته ای که مولد ثروت عامل و کار میباشند در مقابل زحمات خود نتیجه نمیگیرند و حاصل قوه و کار و فکر آنها بِنفع سرمایه داران بزرگ تمام میشود .

اگر در این روش اقتصادی سیاست جهانگیری و انحصار تولید و مصرف دخالت نداشت و دستمزد پیشه وران و کارگران از روی تقسیم منافع برداشته میشد هم دنیا از خطر جنگ در امان بود و هم انقلابات عمیق و سهمناکی که در درون و بیرون ممالک صنعتی وجود دارد آرام میگردد از همین نظر است که در کشوری مانند انگلستان که متوجه خطر این سیستم اقتصاد شده اند به ملی شدن کارخانه ها و معادن تسلیم گردیده و خواسته اند بوسیله توزیع ثروت میان قاطبه ملت و پیشه وران از خطر محقق جلوگیری کنند .

این تصمیم برای حفظ سیاست و مصلحت - خاص کشور های مانند انگلستان مورد توجه واقع شده و ای چون دنیای زمان ما در حکم يك محیط و يك خانه است يك مملکت و حکومتی به تنهایی نمیتواند اصلاحات سیاسی را برای خود بخواند و حق حیاتی دیگران را نادیده انگاشته و همه را گاو شیرده خود دانسته و این روش را ثابت نگاه دارد .

اگر دولتی تصور کند که میتواند با بهبودی وضع داخلی خود از مؤثرات بدبختی دیگران و احساسات دردناک میلیونها فقیر و مستمند و ستمکش در کشورهای دیگر فارغ بماند اشتباه کرده است و حوادث خیلی زود فساد نظر و عقیده او را روشن میسازد زیرا بطور محسوس می بینیم که علت اساسی موافقت سرمایه داران و حکومت در ملی شدن منابع فعاله صنعت و حشمت از ضربات سخت و شدید و بنیان کنی است که از شیوع عقاید اشتراکی برای محور اصول سرمایه داری بوجود آمده است و هیچ تردید نباید داشت که هر دولت و ملتی آسایش را در دنیای متمدنی برای خود بخواند باید آنچه دارد در راه تقویت نیروی جنگی مصرف کند و این سیستم اقتصاد بطوریکه می بینیم به ضرر مصرف کنندگان مصنوعات و محصول تمام میشود و هست و نیست مردم

صرف نگاهداری وسائط و وسائل جنگ میگردد و زندگانی برای همه سخت و دشوار میباشد . یکی از نوامیس خلل ناپذیر طبیعت و خلقت (اعم از اینکه راهنمایان سیاست و اقتصاد دولت های زورمند منکر وجود خداوند بوده یا فقط خدا بزبان بخوانند) این است که در برابر هر فسادی يك قوه قاهره بوجود میاید و اساس فشار و نا درستی و روش غلط را از میان میبرد و بوضع و حالت دیگری میاورد .

منظور از این مقدمه بیان مزایای اصول اقتصاد اسلامی است :

در اسلام چون عبادت و سیاست توأم است و خدا در همه جا حاضر و ناظر میباشد موجب راستی و امانت و درستکاری از واجبات است . در طبیعت فعالیت های اقتصادی يك جریان صحیحی برای حفظ حقوق و اعتراف بمیزان زحمات افراد بوجود میاید . در اسلام نگاهداری زر و سیم ممنوع است و باید طلا و نقره در راه مصلحت عمومی و فعالیت های اقتصادی مصرف گردد . دستور قرآن کریم این است **والذین یکنزون الذهب و الفضة و لاینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم**

در اقتصاد اسلام سرمایه را کد نمیماند و بانواع صور توزیع و تقسیم میشود . این توزیع در مرحله اولی از طریق بکار رفتن سرمایه در فعالیت های اقتصادی و بیدایش کار و جلوگیری از مفسد بیکاری و مانع فقر و مسکنت عمومی است و از جانب دیگر مصارف در امور خیریه ، صلہ رحم ، انفاق و صدقه موجب تعدیل و وسیله ایجاد محبت و رافع کینه و حسد و بغض طبقاتی میباشد . *پروپشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

البته وقتی پول در يك جا و يك محل مکزیت پیدا نکرد جریان طبیعی این عمل سبب توسعه کار و بسط معیشت برای عموم است .

در اسلام نگاهداری زر و سیم خواه در گاوصندوق ها یا بصورت ظروف و اوانی ممنوع و حرام است و اساسا عملیات بانکی خود بخود و بدون وسیله میان مردم بعلت اعتماد و اطمینان جریان دارد و چون ربایکی از موجبات بیدایش تنبلی و بیکاری و سرمایه داری بدون تولید ثروت و زحمت و مشقت است و دو طبقه ممتاز در اثر رواج ربا در جامعه بوجود میاید که یکی ثروتمند و دیگری مستمند است و اجتماع از هم جدا و ناراحتی دوام دارد و ثروتمند ناچار است برای حفظ ثروت و عیش و نوش خود همیشه مجهز باشد و مسکین هم با موجبات فساد او را متزلزل سازد بدین لحاظ در قرآن مجید این معنی در آیات عدیده صراحت دارد یعنی حرمت ربا مسلم است .

غرض از تحریم ربا در اسلام این است که معاملات اقتصادی در تمام اشکال و صور خود باید قاعده نابت و مقرون بدرستی و عدالت داشته باشد. یکی از مفسد عظیم امور اقتصادی در جامعه ما رواج رباخواری است و سند ما وجود هزار پرونده اجرائی در ثبت تهران و شهرستانها است که نشان میدهد يك طبقه بیکار و پولدار بدون اینکه فعالیت اقتصادی و عملیاتی در تولید ثروت و عمران و آبادی و صنعت و تجارت داشته باشند از دسترنج کسانیکه بنان شب محتاجند تحصیل سرمایه مینمایند و هستی آنها را بدون زحمت تصرف میکنند و احياناً مقررات اجرائی و قوانین هم مؤید عملیات آنها است و بسا رباخوار چندین برابر اصل سرمایه را بنام سود دریافت داشته ولی آن بدبخت بینوائی که زیر بار قرض کمر خم کرده باید شب و روز کار کند و از قوت لایموت خود و زن و فرزند به دزدی برای بیکان تسلیم رباخوار بنماید.

نتیجه سخن این شد که در اقتصاد اسلامی حریت فردی در عمل محترم است و کمکهای اجتماعی هم در امور اقتصادی ممدوح میباشد اما به شرطی که هر کس بقدر زحمت خود فائده و سود دریافت دارد و کسب و کار او مخالف قوانین شریعت نباشد.

اقتصاد اسلامی بهمه غرایز بشری و انسانی و میول نفسیه توجه داشته و هیچگاه نخواسته آزادی روح و لذت و قدر زحمت اشخاص تابع اصول خشک یا تجاوز و تعدی قرار گیرد. در اقتصاد اسلام فرد برای جامعه کار میکند و جامعه هم حافظ زندگانی و آزادی فرد است در اقتصاد اسلام مواهب فکر به و قوه حیات در راه آسایش نوع و فرد بکار میرود و افراد مانند آلات مکانیکی بی اراده تابع يك ماشین عظیم نیستند بلکه مانند موجودات زنده در کمال آزادی حرکت میکنند.

در اسلام تعاون اقتصادی و اخلاقی و فرهنگی از هرجهت حکمفرما است، احتکار و انحصار و مونوپول وجود ندارد و این مسائل با نظر خالی از غرض بخوبی درک میشود و مسلم است که اسلام واضع اصول و قواعدی است که میتواند دنیای پر آشوب و متلاطم و مخوف را بر روزگار سلامت و خوشی و امنیت سوق دهد.